

حمله های نظامی را متوقف کنید

دیپلماسی جهانی برای اعلام هرچه زودتر آتش
بس فعال شود

ننگ و نفرت بر جنگ افروزان، جنایتکاران جنگی
و مدافعین حمله های نظامی

سرنگون باد حکومت های جنگ طلب و دیکتاتور

گسترده تر و مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی

جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا - اسرائیل

و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت

حکومت جنایتکار اسلامی در ایران

- حمله های هوایی آمریکا- اسرائیل به کارخانه های فولاد مبارکه اصفهان ، فولاد خوزستان و
سیمان فیروزآباد و مرگ و مصدومیت 21 کارگر

- آرمان حاج محمدی بازداشت شد

- یادداشت سوم از تهران: تنهایی در میانه سرکوب و جنگ

- کارگران اتحادیه فلز آلمان علیه تولیدات جنگی

- بیانیه انجمن حقوقدانان برای احترام به حقوق بین الملل (JURDI)

توسل به زور در خاورمیانه: حقوق بین الملل را نمی توان نادیده گرفت

- خلاصه جلسه اضطراری شورای حقوق بشر سازمان ملل درباره حمله موشکی به مدرسه میناب

- نت بلاکس : حکومت ایران در حال تحکیم سیستم دو سطحی مبنی بر حق دسترسی مقام‌های حکومتی و تایید شدگان‌شان به اینترنت

***حمله های هوایی آمریکا- اسرائیل به کارخانه های فولاد مبارکه اصفهان ، فولاد خوزستان و سیمان فیروزآباد و مرگ و مصدومیت 21 کارگر**

روز جمعه 7 فروردین، بر اثر حمله های هوایی آمریکا- اسرائیل به کارخانه های فولاد مبارکه اصفهان ، فولاد خوزستان و سیمان فیروزآباد 3 کارگر جان خود را از دست دادند و 18 کارگر دیگر مصدوم شدند.

***آرمان حاج محمدی بازداشت شد**

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، آرمان حاج محمدی، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته عمران دانشگاه صنعتی شریف، توسط نیروهای امنیتی در یزد بازداشت شده است.

به دلیل قطعی اینترنت در ایران و محدودیت‌های ارتباطی تاریخ دقیق بازداشت او مشخص نیست.

از مخاطبان درخواست می‌شود در صورت داشتن هرگونه اطلاعات بیشتر درباره آرمان حاج محمدی و تصویر او، آن را برای ما ارسال کنند.

***یادداشت سوم از تهران: تنهایی در میانه سرکوب و جنگ**

غزل - این روزها شکل دیگری از تنهایی و سرکوب را هم تجربه می‌کنم که بسیار دردناک‌تر، غمگین‌کننده‌تر و خسته‌کننده‌تر از مواجهه با سرکوبگران رژیم اسلامی و نگرانی‌های اطرافیانم است. یادم هست زمانی در مدرسه و دانشگاه و خیابان همه در کنار هم مقابل ارتجاع و استبداد به هر شکلی می‌ایستادیم. این روزها اما دوستانم، آشناهایم و نزدیکانم هم دیگر تاب تحمل شنیدن یا خواندن ندارند. فرق نمی‌کند در کدام گروه فکری باشند یا باید آنچه می‌خواهند بشنوند را بگویی یا خفه‌خون بگیری یا حمله‌های کلامی و فحش و تهدیدهایشان را تاب بیآوری. این هم میراث سال‌ها تنفس و زیستن در هوای استبداد و سانسور است؟

شنبه یکم فروردین 1405 / تهران / غزل

من حس عشق و نفرت همزمانی به تهران شلوغ و پریهاو دارم. امروز وقتی دیدم چقدر تهرانم خالی و خلوت است خشم و اندوه در وجودم پیچید و تمام مرا مچاله کرد. اشک‌هایم بی‌صدا جاری شد. من این روزهای گنگ و جنگ‌زده را دوست ندارم. احساس تنهایی عمیقی روحم را زخمی کرده است. در انجیل متی آمده است: «از آنان بیم‌ناک مباشید که تن را می‌میرانند و لیک از میراندن روح عاجزند.» و من حس می‌کنم زیستن در استبداد فقط تن را نمی‌کشد. زیستن در استبداد ارمغان‌اش برایمان خون بود و خفه‌خون به زور اسلحه و مرگ که حالا در هیبت جنگ وحشیانه‌تر از همیشه هجوم آورده!

همیشه نوشتن را دوست داشتم و همیشه می‌نویسم اما جایی که من هستم کلماتم جرم است فقط چون هرآنچه فکر می‌کنم بدون در نظر گرفتن مصلحت و دین و ایدئولوژی خاصی می‌نویسم و نمی‌توانم به دل‌خواه و به نام خودم جایی آزادانه و بی‌ترس منتشرشان کنم. و این تمام ماجرا نیست. من حتی میل و

اشتیاقی به اینکه نوشته‌هایم را برای آشناهای نزدیکم بخوانم هم ندارم. چیزی بیخ گلیم را گرفته و اجازه نمی‌دهد واژه‌ها راحت خارج شوند.

سال‌ها قبل وقتی شور و هیجان و یاغی‌گری‌ام در اوج خودش بود و هنوز با نیروی سرکوب چشم در چشم نشده بودم همه جا همه چیز می‌نوشتیم و می‌گفتم و برای همه می‌خواندم. حالا به همه‌هایی فکر می‌کنم که گاه از سر ترس گاه خشم و گاه حتی دوست داشتن از سمت عزیزترین‌هایم تجربه کردم: «اینجا رو جایی نداری‌ها... قرار نیست آدم هرچی به ذهن‌اش میاد بنویسه... نگرانم، مراقب خودت باش... حالا این همه موضوع چرا درباره این نوشتی... تو مدرسه‌تون اینو نخونی‌ها... نری توی تجمع دانشگاه اینا رو بخونی‌ها... خیلی رویایی فکر می‌کنی... الان آخه وقت نوشتن این چیزاست... مگه وبلاگات رو نبستن حتما باید بیان بگیرنات... عقل نداری تو، فکر کردی سوییچ زندگی می‌کنی... سه ساعت بازجویی پس دادی بس نبود حتما باید خودت رو به کشتن بدی...» آرام آرام کمتر نوشتیم صدایم کم و کمتر شد منزوی‌تر شدم و همان نوشته‌های پراکنده‌ام را هم از همه پنهان کردم.

این روزها شکل دیگری از تنهایی و سرکوب را هم تجربه می‌کنم که بسیار دردناک‌تر، غمگین‌کننده‌تر و خسته‌کننده‌تر از مواجهه با سرکوبگران رژیم اسلامی و نگرانی‌های اطرافیانم است. یادم هست زمانی در مدرسه و دانشگاه و خیابان همه در کنار هم مقابل ارتجاع و استبداد به هرشکلی می‌ایستادیم. این روزها اما دوستانم، آشناهایم و نزدیکانم هم دیگر تاب تحمل شنیدن یا خواندن ندارند. فرق نمی‌کند در کدام گروه فکری باشند یا باید آنچه می‌خواهند بشنوند را بگویی یا خفه‌خون بگیری یا حمله‌های کلامی و فحش و تهدیدهایشان را تاب بیاوری. این هم میراث سال‌ها تنفس و زیستن در هوای استبداد و سانسور است؟

پس چرا من هنوز امیدوارم؟ تهران خالی و ساکت مرا در خود مچاله کرد و یادم انداخت این روزها چه تنهایی رژف و سنگینی را بر دوش می‌کشم اما نمی‌دانم پس چرا هنوز به این کشور و این مردم و آینده انقدر امیدوارم. شاید راست می‌گوید که: «از آنان بیم‌ناک مباشید که تن را می‌میرانند و لیک از میراندن روح عاجزند.» در حس متناقضی از تردید و امید، اشک‌هایم همچنان بی‌صدا جاری است گویی هنوز چیزی در من زنده است و مقاومت یعنی زندگی! پس می‌نویسم حتی بی‌نام. می‌نویسم حتی اگر هیچکس نخواند. می‌نویسم تا شاید در میانه‌ی جنگ و استبداد و سرکوب؛ به مدد واژه‌ها زن، زندگی و آزادی را زنده نگه دارم.

برگرفته از رادیو زمانه

*کارگران اتحادیه فلز آلمان علیه تولیدات جنگی

بدنبال تصمیم نمایندگان مورد اعتماد کارگران در کارخانه فورد کلن (Ford / Köln)؛ اکنون همکاران آنها از ZF هانوفر (کارخانه تولید کننده ترمز و سیستم کنترل اتومبیل) و چندین کارخانه فولکس‌واگن بیانه‌های عدم تولید ابزار جنگی صادر کرده‌اند. انتقاد آن‌ها همچنین متوجه هیئت‌مدیره اتحادیه فلز آلمان (IG Metall) است.

میشائل کونینگ

در اتحادیه فلز ، IG Metal مقاومت علیه نظامی‌سازی سریع صنعت خودروسازی در آلمان رو به افزایش است. پس از مصوبه نمایندگان مورد اعتماد کارگران در کارخانه‌های فورد کلن در اواخر ژانویه با عنوان "نه به اقتصاد جنگی ، ما فرزندانمان را برای جنگ‌ها نمی‌دهیم " ، در اواسط مارس کارکنان شرکت تأمین‌کننده سیستم ایمنی و کنترل خودرو ZF در هانوفر نیز با بیانیه‌ای تحت عنوان «کار ما برای زندگی است، نه برای جنگ» به این حرکت پیوستند. این بیانیه توسط رئیس نمایندگان کارگری، اورکان فیرات (Orkan Firat) و رئیس شورای کارگران، ینس شفر (Jens Schäfer)، امضا شده است. در نهایت، کارگران صنایع فلزی از چندین کارخانه فولکس‌واگن نیز در ماه مارس قطعنامه‌ای علیه «تغییر تولید به اقتصاد جنگی» تصویب کردند.

وجه مشترک همه آن بیانیه‌ها اعلام خشم به این موضوع است که با وعده‌های تضمین اشتغال کارگران از طریق قراردادهای نظامی، «نگرانی‌های معیشتی کارکنان» در صنعت فلز مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر این، کارگران فورد در کلن هشدار می‌دهند: «تسلیح مجدد صلح را تضمین نمی‌کند، بلکه شرایط جنگی را آماده‌سازی میکند». . مزید بر آن در شرایط اضطراری، حق اعتصاب لغو شده و نوعی اجبار به کار برقرار می‌شود که شامل افزایش شدید ساعات کاری نیز خواهد بود.

به گفته این مصوبه ، در اتومبیل‌سازی فورد از شهر کلن. مرگ در سنگرها تنها به سود «منافع صاحبان بزرگ سرمایه» است؛ اتحادیه کارگران فلز در کارخانه های فوردکلن ، ZF هانوفر و فولکس‌واگن همچنین به اساسنامه (IG Metall اتحادیه کارگران صنایع فلز) اشاره می‌کنند که در آن بر «صلح، خلع سلاح و تفاهم بین ملت‌ها» تأکید شده است.

در شرکت ZF در هانوفر، در قطعنامه نمایندگان کارکنان آمده است که تولید نظامی «یک راهبرد پایدار نیست». این نوع تولید منابعی را مصرف می‌کند که برای گذار به سیستم‌های حمل‌ونقل جدید، خودروهای برقی و نوآوری‌های غیرنظامی مورد نیاز است. به همین دلیل، کارگران از مدیریت شرکت خواستار «طرح‌های تبدیل» هستند ؛ یعنی برنامه‌هایی برای انتقال بخش‌های مرتبط با صنایع نظامی به حوزه‌های غیرنظامی، بدون از دست رفتن شغل‌ها . همچنین از دولت فدرال آلمان خواسته شده است که از هزینه‌های نظامی «سرسام‌آور» عقب‌نشینی کند.

بسیاری از کارگران فولکس‌واگن نیز زمانی شوکه شدند که دانیلا کوالو (Daniela Cavallo) ، رئیس شورای اتحادیه کارگران این شرکت، در اوایل مارس در مصاحبه‌ای با (dpa آژانس خبری آلمان) از ایجاد یک «صنعت دفاعی مستقل» در اروپا حمایت کرد. این اظهارات در پی طرح‌هایی بود که اکنون کنار گذاشته شده‌اند و مربوط به ورود شرکت تسلیحاتی راین‌متال به کارخانه فولکس‌واگن در اوزنابروک (Osnabrück) بودند. این موضع‌گیری باعث شد نمایندگان کارگری فولکس‌واگن و اعضای معتمد (IG Metall صنایع فلز) از ایالت‌های نیدرزاکسن

(Niedersachsen) و هسن (Hessen) قطعنامه‌ای علیه تغییر تولید از خودروهای غیرنظامی به نظامی تنظیم کنند. آن‌ها در این مسیر از بیانیه کلن الهام گرفته‌اند.

برای این منظور، کارگران صنایع فلز در کارخانه‌های فولکس‌واگن در شهرهای براونشوایگ (Braunschweig)، کاسل، (Kassel) ولفسبورگ، (Wolfsburg) زالتسگیتز (Salzgitter) و درسدن (Dresden) به سرعت از طریق ویدئوکنفرانس با یکدیگر متحد شدند. آن‌ها در یک بیانیه مشترک اعلام کردند: «ما با این روند همراه نخواهیم شد.» آن‌ها به‌طور مشخص این فراخوان را متوجه هیئت‌مدیره صنایع فلز و شورای کارگران نیز می‌دانند.

در ادامه آمده است: «صنعت تسلیحات از سودهای انفجاری خوشحال است. بازگشت خدمت سربازی در حال برنامه‌ریزی است، تا در آینده ما و فرزندانمان را به جنگ بفرستند.» با این حال، در میان امضاکنندگان اولیه، هیچ‌کس از کارخانه فولکس‌واگن از شهر اوزنابروک (Osnabrück) حضور ندارد.

به گفته یکی از مبتکران این حرکت در فولکس‌واگن، (VW) در گفت‌وگو با روزنامه، همین که لغو خرید این کارخانه توسط راین‌متال (Rhein Metall) کارخانه صنایع نظامی آلمان در صدر محافل اتحادیه‌ای به‌تدریج پذیرفته شد، باعث شکل‌گیری این انتقادات جدید شده است. این موضوع همراه با مصاحبه کاوالو (Cavallo)، به صدور قطعنامه جدید فولکس‌واگن علیه اقتصاد جنگی منجر شد.

با این حال، همکاران از دیگر کارخانه‌های فولکس‌واگن هنوز نتوانسته‌اند طرح مشخصی برای ادامه تولید غیرنظامی در اوزنابروک (Osnabrück) ارائه دهند. فعالان صلح احتمال تولید دوباره مینی‌بوس در این کارخانه را به‌عنوان یک گزینه مطرح می‌کنند، اما به نظر می‌رسد این گزینه در حال حاضر از نظر سیاسی مورد حمایت نیست.

نبود چشم‌انداز روشن برای این کارخانه باعث شده است که مقاومت اولیه در اتحادیه، شورای کارگران و میان کارکنان علیه نظامی‌سازی تولید به‌تدریج تضعیف شود. زیرا مدیرعامل فولکس‌واگن، الیور بلومه (Oliver Blume) در اواسط مارس تأکید کرده است که تولید خودروهای غیرنظامی تا پایان سال ۲۰۲۷ متوقف خواهد شد. قرار است تا پایان سال ۲۰۲۶ تصمیم نهایی درباره آینده این کارخانه گرفته شود. اکنون این نگرانی در حال گسترش است که در نهایت فعالیت این کارخانه به‌طور کامل متوقف شود.

ترجمه: چت جی پی تی

ویراستار: محسن خوشبین

***بیانیه انجمن حقوق‌دانان برای احترام به حقوق بین‌الملل (JURDI)**

توسل به زور در خاورمیانه: حقوق بین‌الملل را نمی‌توان نادیده گرفت

بیانیه حقوق‌دانان منتشر شده در روزنامه اومانیته ۲۴ مارس ۲۰۲۶

روز ۲۸ فوریه، اسرائیل و ایالات متحده عملیاتی نظامی علیه ایران آغاز کردند و خطر یک حمله قریب‌الوقوع از سوی تهران را بهانه قرار دادند. چنین توجیهی هیچ مبنایی در حقوق بین‌الملل ندارد. در پاسخ، ایران پایگاه‌های نظامی و منافع ایالات متحده در منطقه را هدف قرار داد. این جنگ که به لبنان نیز گسترش یافته، تاکنون موجب مرگ هزاران نفر در سراسر منطقه شده است.

ما، پژوهشگران و حقوقدانان انجمن JURDI، قصد داریم برخی اصول اساسی حقوق بین‌الملل را یادآوری کنیم که نباید به بهانه ملاحظات ژئوپولیتیکی کنار گذاشته شود.

حقوق بین‌الملل بر یک اصل بنیادین استوار است: ممنوعیت توسل به زور. ماده ۲ بند ۴ منشور سازمان ملل متحد دولت‌ها را ملزم می‌کند که «از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت خودداری کنند». این قاعده یکی از ارکان نظم بین‌المللی است که پس از ۱۹۴۵ برای جلوگیری از بازگشت جنگ‌های تجاوزکارانه ایجاد شد.

تنها دو استثنا در منشور پیش‌بینی شده است: کسب مجوز از شورای امنیت طبق فصل هفتم؛ و اعمال حق دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ «در صورتی که یکی از اعضای سازمان ملل متحد مورد حمله مسلحانه قرار گیرد.»

اما توجیهی که ایالات متحده و اسرائیل مطرح کرده‌اند — تهدید «قریب‌الوقوع» از سوی ایران — با این چارچوب حقوقی مطابقت ندارد. مفهوم دفاع مشروع پیشگیرانه هرگز به اجماع بین‌المللی نرسیده است. ماده ۵۱ اعمال دفاع مشروع را منوط به وجود یک حمله مسلحانه واقعی می‌داند. قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تجاوز را به‌عنوان «توسل به زور مسلحانه توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر» تعریف می‌کند. بنابراین، یک عملیات نظامی که در غیاب چنین تجاوزی انجام شود، نقض منشور محسوب شده و یک عمل تجاوزکارانه است.

قطعنامه ۳۳۱۴ همچنین تصریح می‌کند که یک دولت در صورتی می‌تواند به‌عنوان متجاوز شناخته شود که قلمرو خود را در اختیار دولت دیگری قرار دهد تا از آن برای ارتکاب عمل تجاوز علیه یک دولت ثالث استفاده کند. هر دولتی که استفاده از پایگاه‌های نظامی خود را برای چنین عملیاتی تسهیل کند، ممکن است همدست متجاوز شناخته شود. بدین ترتیب، دولت‌های منطقه که اجازه می‌دهند ایالات متحده از خاک آن‌ها برای حمله به ایران استفاده کند، در معرض چنین اتهامی قرار دارند.

در واقع، این تجاوز نظامی از سوی ایالات متحده و اسرائیل، ایران را در موقعیت دفاع مشروع قرار می‌دهد. با این حال، اعمال این حق باید با رعایت دقیق اصول تناسب و ضرورت انجام شود. در قطعنامه‌ای که در ۱۱ مارس گذشته تصویب شد، شورای امنیت برآورد کرد که این اصول در حملات ایران به چندین کشور حوزه خلیج فارس رعایت نشده است، بدون آن‌که درباره غیرقانونی بودن آشکار عملیات انجام‌شده توسط ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران، که این کشورها متحد آن‌ها هستند، موضع‌گیری کند.

علاوه بر این، جنگ کنونی را نمی‌توان به‌صورت جداگانه تحلیل کرد. این جنگ در بستری شکل گرفته که با یک اشغال طولانی‌مدت و تشدید سیاست استعمارگری اسرائیل در سرزمین فلسطین

مشخص می‌شود. این سیاست استعماری نقض مستمر حقوق بین‌الملل، به‌ویژه کنوانسیون چهارم ژنو، است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود مورخ ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴، غیرقانونی بودن اشغال اسرائیل را تأیید کرده است.

در غزه، از زمان آتش‌بس اکتبر ۲۰۲۵، نزدیک به ۷۰۰ فلسطینی کشته شده‌اند و کمک‌های انسانی هنوز نمی‌تواند وارد این منطقه شود. با این حال، دیوان بین‌المللی دادگستری در ژانویه ۲۰۲۴ خطر واقعی و قریب‌الوقوع وارد آمدن آسیب‌های جبران‌ناپذیر به حقوق ساکنان غزه را شناسایی کرده و خواستار ورود بدون مانع کمک‌ها شده بود. ارتکاب یک نسل‌کشی علیه مردم فلسطین امروز به اثبات رسیده است.

این جنگ همچنین در امتداد سیاست‌های توسعه‌طلبانه اسرائیل در لبنان قرار دارد؛ کشوری که هرگز آرامش واقعی را تجربه نکرده، علیرغم آتش‌بسی که در ۲۷ نوامبر ۲۰۲۴ برقرار شد و به‌طور منظم نقض گردیده است. گسترش خصومت‌ها و اظهارات برخی رهبران اسرائیلی که خواهان الحاق مناطق جدید هستند یا می‌خواهند «حومه جنوبی بیروت را به یک خان‌یونس جدید تبدیل کنند» باید در پرتو یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل تحلیل شود: ممنوعیت تصاحب سرزمین از طریق زور.

در همین راستا، با ابراز تهدید «در امتداد الگویی که در غزه اعمال کرده‌ایم»: اسرائیل به‌سوی الحاق جنوب لبنان پیش می‌رود.

این واقعیت‌ها مجزا نیستند، بلکه همراه با موارد دیگر، بخشی از یک پویش واحد هستند: به چالش کشیدن نظم حقوقی بین‌المللی که پس از ۱۹۴۵ برقرار شده است. در این زمینه، تعهدات دولت‌ها روشن است. دیوان بین‌المللی دادگستری یادآوری کرده است که دولت‌ها باید از به رسمیت شناختن وضعیت ناشی از نقض جدی حقوق بین‌الملل خودداری کنند و از ارائه کمک یا مساعدت به حفظ آن بپرهیزند. این تعهدات کل جامعه بین‌المللی را در بر می‌گیرد.

این نقض‌ها با پدیده‌ای نگران‌کننده در فضای رسانه‌ای و سیاسی در فرانسه همراه است. علیرغم تلاش‌های بسیاری از حقوقدانان و پژوهشگران، روایت‌های حقوقی خیالی و از نظر واقعی نادرست همچنان بخش بزرگی از بحث عمومی را شکل می‌دهند، به‌ویژه از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به این سو. این وضعیت همچنین به عوامل عمیق‌تری اشاره دارد: وابستگی سیاسی، فکری و فرهنگی پایدار اروپا به چارچوب‌های تحلیلی شکل‌گرفته در ایالات متحده، که پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تجاوز آمریکا به عراق تقویت شده است.

یادآوری این اصول حقوقی ضروری است. ممنوعیت توسل به زور و تصاحب سرزمین از طریق جنگ در قلب نظم بین‌المللی ما قرار دارد. ما در لحظه‌ای سرنوشت‌ساز قرار داریم: یا این قواعد همچنان روابط بین‌المللی را سامان می‌دهند، یا در برابر قانون قوی‌تر تسلیم می‌شوند. در این زمینه، دولت‌های اروپایی نمی‌توانند چشمان خود را بر این نقض‌ها ببندند و نه در مشروعیت‌بخشی به آن‌ها مشارکت کنند.

نخستین امضاکنندگان:

Olivier Corten، استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه آزاد بروکسل

François Dubuisson، استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه آزاد بروکسل

Benjamin Fiorini، استاد در دانشگاه Paris 8، دبیرکل JURDI

Habib Gherari، استاد ممتاز حقوق بین‌الملل

Rafaëlle Maison، دانشیار حقوق، استاد در دانشگاه Paris Saclay

Alain Pellet، استاد ممتاز دانشگاه Paris-Nanterre، رئیس پیشین کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل

Raphaël Portella، استاد علوم سیاسی، دانشگاه Bourgogne Europe

Insaf Rezagui، دکترای حقوق بین‌الملل، دانشگاه Paris Cité

Farah Safi، استاد حقوق خصوصی و نایب‌رئیس JURDI

Damien Scalia، استاد حقوق کیفری در دانشگاه آزاد بروکسل

Akila Taleb-Karlsson، استاد دانشگاه Toulon

Patrick Zahnd، استاد حقوق بشر دوستانه، رئیس پیشین هیئت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC)، رئیس JURDI

Nadia Attaïre، حقوقدان و معاون دبیرکل JURDI

Zoé Paris، نایب‌رئیس JURDI

Ghislain Poissonnier، قاضی و نایب‌رئیس JURDI

Sarah Sameur، وکیل دادگستری در پاریس

برگردان مرمر کبیر

منبع: روزنامه اومانیتیه 24 مارس 2026

***خلاصه جلسه اضطراری شورای حقوق بشر سازمان ملل درباره حمله موشکی به مدرسه میناب**

شورای حقوق بشر سازمان ملل امروز نشست اضطراری درباره حمله به مدرسه دخترانه میناب در جنوب ایران برگزار کرد. این حمله ۱۶۸ کشته بر جا گذاشت و بیشتر آنها کودک بودند.

به گزارش بی بی سی خلاصه آنچه امروز در سازمان ملل مطرح شد:

فولکر تورک، مسئول حقوق بشر سازمان ملل، خواستار تحقیقات فوری درباره این حمله شد و گفت این حادثه «وحشتی عمیق» ایجاد کرده است.

او همچنین گفت حملات آمریکا و اسرائیل هر چه جنگ بیشتر پیش می‌رود، به شکل فزاینده‌ای «زیرساخت‌های غیرنظامی» را هدف قرار می‌دهد. این مقام سازمان ملل هدف قرار دادن تاسیسات هسته‌ای را «غیرمسئولانه و غیرقابل درک» خواند.

پیش‌تر، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از انتشار گزارش‌هایی از یک حمله نزدیک نیروگاه بوشهر، خواستار «حداکثر خویشتنداری» برای جلوگیری از یک حادثه هسته‌ای در ایران شد.

عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، که از طریق ویدئو در این نشست ظاهر شد، این درگیری را «جنگی غیرقانونی خواند که از سوی دو رژیم هسته‌ای زورگو تحمیل شده است.» او حمله به مدرسه میناب را «حمله‌ای حساب‌شده و مرحله‌ای» و «جنایت جنگی» خواند.

مادر دو کودکی که در حمله کشته شدند، به سازمان ملل گفت خانه‌اش اکنون «ساکت است، بسیار ساکت‌تر از آنچه هر خانه‌ای باید باشد.» مقام‌های ایرانی گفته‌اند که حمله به این مدرسه ۱۶۸ کشته بر جا گذاشته که حدود ۱۱۰ نفر از آن‌ها کودک بوده‌اند.

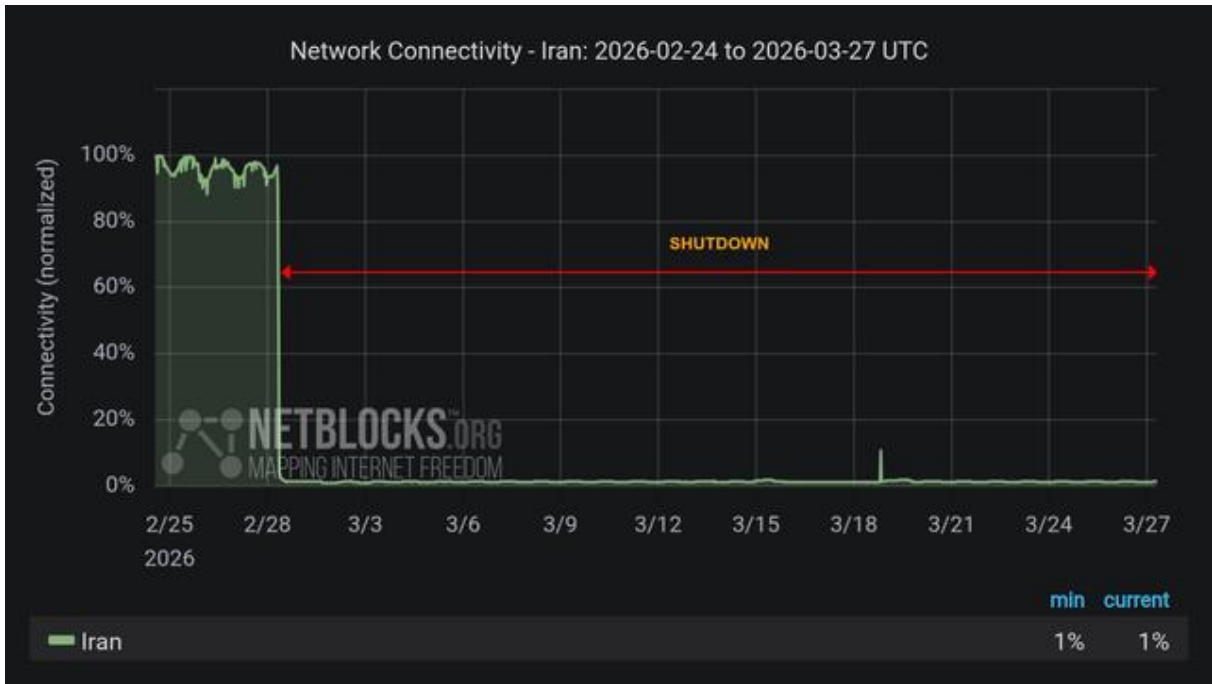
آمریکا در این نشست سخنرانی نکرد. واشنگتن مسئولیت حمله را نپذیرفته و می‌گوید غیرنظامیان را هدف قرار نمی‌دهد و تحقیقات درباره حادثه ادامه دارد. رسانه‌های آمریکایی گزارش داده‌اند که بازرس‌های نظامی آمریکا احتمال می‌دهند نیروهای آمریکایی به‌طور غیرعمد مدرسه را هدف قرار داده باشند، اما هنوز به نتیجه نهایی نرسیده‌اند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

***نت بلاکس : حکومت ایران درحال تحکیم سیستم دو سطحی مبنی بر حق دسترسی مقام‌های حکومتی و تایید شدگان‌شان به اینترنت**

روزجمعه 27 مارس ،نت بلاکس (NetBlocks) نهاد ناظر بر قطعی‌ها و اختلالات اینترنت در سراسر جهان اعلام کرد:

خاموشی اینترنت در ایران اکنون وارد روز بیست و هشتم خود شده است و پس از گذشت 648 ساعت، ایرانی‌ها بیش از نیمی از سال را بدون دسترسی به شبکه‌های بین‌المللی گذرانده‌اند. حکومت ایران همچنان در حال بهبود یک سیستم دو سطحی هستند که فقط مقام‌های حکومتی اجازه دسترسی به اینترنت دارند.



akhbarkargari2468@gmail.com